

تبیین کارویژه «کارگروه تعیین ماهیت» و امکان سنجی اعمال نظارت قضایی دیوان عدالت اداری بر تصمیمات آن

آرین پتفت^۱

حامد کاویانی^۲

چکیده

کارگروه تعیین ماهیت به عنوان نهادی تازه تأسیس در نظام حقوق اداری ایران به موجب مقررات دولتی و به منظور بررسی پرونده‌های صادراتی و اطمینان از استفاده نشدن فرآورده نفتی یارانه‌ای با منشأ غیر مجاز در کالای صادراتی ایجاد شده است. تصمیمات این کارگروه که در تشخیص وجود یا نبود مواد نفتی یارانه‌ای در محموله‌های صادراتی نقش بسیار مهمی دارد، منشأ رسیدگی به اتهام تخلف یا جرم قاچاق فرآورده‌های نفتی و مستند رأی مراجع رسیدگی کننده به پرونده‌های مربوط قرار می‌گیرد.

با وجود اهمیت بسزای این نهاد در نظام حقوقی ایران و حساسیت قابل توجه تصمیم‌های آن در تبیین قانونی بودن محموله‌های صادراتی فرآورده‌های نفتی و تأثیری که بر چرخه اقتصادی صنعت تولید و صادرات این محصولات می‌گذارد، تاکنون آثار علمی برای تبیین ماهیت تصمیمات و وظایف آن در قرائت حقوق اداری و نقش دیوان عدالت اداری در رسیدگی به اعتراض اشخاص از تصمیمات این نهاد نگاشته نشده است.

از این رو، مقاله حاضر بر آن است تا ضمن واکاوی ماهیت حقوقی و مسئولیت‌های قانونی این کارگروه، بازنگری قضایی دیوان عدالت اداری در نظرهای اعلامی این نهاد را تحلیل و بررسی کند. به طور کلی، در مقاله حاضر دریافته‌ایم که کارگروه تعیین ماهیت دارای صلاحیت تشخیصی است و تصمیم اداری می‌گیرد. پس لازم است شکایت ذی نفعان از نظرهای اعلامی آن نیز در شعب دیوان عدالت اداری به عنوان سازوکار فرجام‌خواهی قضایی پذیرفته شود.

واژگان کلیدی: کارگروه تعیین ماهیت، صلاحیت تشخیصی، دیوان عدالت اداری، قاچاق، فرآورده نفتی.

۱. استادیار، مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی و گروه حقوق فناوری‌های زیستی دانشکده فناوری‌های نوین پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول). Arian_petoft@sbmu.ac.ir

۲. دانش‌آموخته دکتری حقوق عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران. @Kaviani.hamed@gmail.com

مقدمه

فرآورده‌های نفتی یکی از مهم‌ترین منابع مالی و محور چرخه اقتصادی کشورمان است و شرکت‌های تولیدی و بازرگانی فرآورده‌های نفتی در بخش خصوصی ایران در رونق‌دهی به این صنعت و حمایت از خودکفایی و رشد اقتصادی کشور در شرایط تحریم‌های ظالمانه غرب نقشی بسزا دارند.^۱ همان‌طور که با دغدغه حفظ منافع عمومی، ضمانت‌های اجرای سختی برای قاچاق فرآورده‌های نفتی یارانه‌ای پیش‌بینی می‌شود،^۲ لازم است که سازوکارهای حمایتی ویژه‌ای از حقوق اشخاص در مظان اتهام این‌گونه جرایم یا تخلفات به منظور دفاع مناسب از حقوق خود و بهره‌مندی از نظام دادرسی منصفانه فراهم آید.^۳ در غیر این صورت، کاستی‌های حقوقی دادرسی پرونده‌های قاچاق فرآورده‌های نفتی به سبب هراس از سرمایه‌گذاری در صنعت تولید و صادرات فرآورده‌های نفتی موجب بازدارندگی رشد و توسعه اقتصادی این صنعت می‌شود.^۴ بنابراین، نظام کنونی دادرسی پرونده‌های قاچاق فرآورده‌های نفتی را باید از نظر هنجاری و رویه عملکردی در همه ابعاد تجزیه و تحلیل کرد تا ابهام‌های قانونی، نقاط ضعف، کاستی‌ها و اشکال‌های حقوقی آن برطرف شود.

در این میان، یکی از مهم‌ترین موضوعاتی که باید به آن توجه شود، نقش و جایگاه «کارگروه تعیین ماهیت (به اختصار: کارگروه)» است که به عنوان نهادی تازه تأسیس در نظام حقوق اداری ایران به موجب مقررات دولتی و به منظور بررسی پرونده‌های صادراتی و اطمینان از استفاده نشدن فرآورده‌های نفتی یارانه‌ای با منشأ غیر مجاز در کالای صادراتی ایجاد شده است. گمرک از همه

۱. شیروی، عبدالحسین، حقوق نفت و گاز، تهران: میزان، ۱۴۰۰؛ موسوی، سید حسن، تحلیل حقوقی الگوی قراردادی خدمت در بخش بالادستی صنعت نفت و گاز ایران، تهران: گنج دانش، ۱۳۹۹؛ امیررحیمی، حسین و همکاران، «بررسی وضعیت خصوصی سازی صنایع پالایش نفت ایران با رویکرد DID (فازی)»، پژوهش‌نامه اقتصاد انرژی ایران، دوره دهم، شماره ۳۷، ۱۳۹۹، صص ۳۵-۱۱.

2. Bruwer, C., "Smuggling and trafficking of illicit goods by sea", Global challenges in maritime security: an introduction. Springer: Berlin, 2020, pp. 49-73.

3. Murray, J., "Prejudice-based rights in criminal procedure", University of Pennsylvania Law Review, Vol.168, No.2, 2019, pp. 277-296.

4. Contractor, F.J., Dangol, R., Nuruzzaman, N., Raghunath, S., "How do country regulations and business environment impact foreign direct investment (FDI) inflows?", International Business Review, Apr 1, Vol.29, No.2, 2020, pp. 64-87.

فرآورده‌های نفتی صادراتی نمونه می‌گیرد و آن را برای تشخیص این‌که مشتقات نفتی یارانه‌ای در آن استفاده نشده باشد و سرمایه ملی از کشور به صورت قاچاق خارج نشود، به این کارگروه - مرکب از نمایندگان وزارت صمت (صنعت، معدن و تجارت)، وزارت نفت و سازمان ملی استاندارد - تسلیم می‌کند. اگر کارگروه در نظریه اعلامی خود، مشابهت محموله نفتی صادراتی را با مواد یارانه‌ای اعلام دارد، گمرک ضمن اعلام جرم یا تخلف قاچاق، در مرجع رسیدگی‌کننده صلاحیت دار هم برای این مورد پرونده تشکیل می‌دهد. نظر اعلامی کارگروه، سرآغاز فرآیند رسیدگی به پرونده‌های قاچاق فرآورده‌های نفتی است و تصمیم آن بر فعالیت بازیگران صنعت فرآورده‌های نفتی اثری بسزا دارد. از این رو، باید نظارت قضایی دقیق و مؤثری بر آن اعمال شود.

پرسش این است که آیا نظریه اعلامی کارگروه، ماهیت اداری تشخیصی یا شبه قضایی دارد که بتوان شعب دیوان عدالت اداری را صالح بر اعمال بازنگری قضایی بر آن دانست یا صرفاً نظر کارشناسی است و دیوان صلاحیت رسیدگی به اعتراض اشخاص از آن را ندارد؟ با وجود اهمیت بسزای این نهاد در نظام حقوقی کشور و حساسیت قابل توجه تصمیم‌های آن در تبیین قانونی بودن محموله‌های صادراتی فرآورده‌های نفتی و تأثیری که بر چرخه اقتصادی صنعت تولید و صادرات این محصولات می‌گذارد، تاکنون آثار علمی برای تبیین ماهیت تصمیمات و وظایف آن در قرائت حقوق اداری و نقش دیوان عدالت اداری در رسیدگی به اعتراض اشخاص از تصمیمات این نهاد نگاشته نشده است.

مقاله حاضر با روش توصیفی و تحلیلی و مطالعات کتاب‌خانه‌ای با هدف برطرف کردن خلأ علمی در این حوزه و پاسخ‌گویی به پرسش یادشده ابتدا به تبیین ساختار و وظایف کارگروه و ماهیت تصمیم‌هایش می‌پردازد تا ضمن جانمایی کارگروه در نظام حقوق اداری ایران، ابعاد و ماهیت حقوقی نظریه اعلامی آن محرز گردد. سپس از رهگذر بحث و نقد مسئله نبود تفوق قضایی بر دادرسی تخلفات قاچاق فرآورده‌های نفتی و اهمیت نقش‌آفرینی دیوان عدالت اداری در فرآیند آن، اعمال بازنگری قضایی شعب دیوان در نظریه‌های اعلامی کارگروه امکان‌سنجی و تجزیه و تحلیل می‌شود تا نتایج مطلوب به دست آید.

گفتار اول. واکاوی کارويژه کارگروه و ماهيت تصميمات آن

همه محموله‌های نفتی صادراتی در کشور برای بررسی وجود يا نبود مواد يارانه‌ای در آن‌ها به کارگروه ارسال می‌شوند. اين نهاد که به موجب «دستورالعمل اصلاح و بهبود (سامان‌دهی) فرآیندهای صادرات، واردات، عبور (ترانزيت) و معاوضه (سوپ) نفت خام، میعانات گازی و فرآورده‌ها و مشتقات نفتی در امور گمرکی (اصلاحیه سال ۱۴۰۱)» (از اين پس: دستورالعمل) موضوع ماده ۴۵ آیین‌نامه اجرایی مواد ۵ و ۶ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز ایجاد شده است، مرکب از نمایندگان سازمان ملی استاندارد ایران، وزارت نفت و وزارت صمت (صنعت، معدن و تجارت) به منظور «بررسی پرونده‌های صادراتی و اطمینان از استفاده نشدن فرآورده نفتی يارانه‌ای با منشأ غیر مجاز^۱ در کالای صادراتی» تشکیل می‌شود. بر اساس ضوابط مختلف دستورالعمل، کارگروه دارای اين وظایف است:

الف) کارشناسی و اعلام نظر فنی در خصوص تعيين ماهيت محصول صادراتی نفتی^۲ در مهلت زمانی مشخص^۳، با احتساب ضريب خطای مجاز^۴ و مستند به اسناد معتبر.^۵ کارگروه در اين خصوص ملزم به اجرای تشریفات بررسی ماهيت نمونه و اعلام نتایج به گمرک^۶ (صرفاً الکترونیک)^۷ در قالب نتایج چهارگانه معین^۸ است؛

۱. «هر گونه کالا از جمله فرآورده نفتی يارانه‌ای که بر خلاف ضوابط تعيينی دولت تحویل و يا استفاده شده باشد.» (نک: بخش تعاریف دستورالعمل (فصل اول)).

۲. کارگروه تنها مرجع رسیدگی کارشناسی و اعلام نظر فنی در خصوص تعيين ماهيت محصول صادراتی و اطمینان از استفاده نشدن فرآورده نفتی يارانه‌ای با منشأ غیر مجاز بوده و صرفاً نظرات اعلامی آن در مراجع رسیدگی‌کننده در خصوص فرآورده و مشتق نفتی مورد اسناد خواهد بود (تبصره ۱ ماده ۲۸ دستورالعمل).

۳. کارگروه (بدوی) باید در حداکثر ظرف ۳۰ روز کاری و در مواردی که ضرورت انجام آزمایش تکمیلی یا مجدد را تشخیص دهد، حداکثر ظرف ۴۵ روز پس از تحویل نمونه و کلیه مستندات، نظر نهایی خود را اعلام کند (ماده ۲۷ دستورالعمل و تبصره آن).

۴. کارگروه در درصدهای اعلامی در خصوص میزان مشابهت محموله به مواد يارانه‌ای که عیناً معیار اقدامات بعدی و رسیدگی گمرک و سایر مراجع خواهد بود، باید ضريب خطای مجاز را محسوب نماید (تبصره ۲ ماده ۳۱ دستورالعمل).

۵. کارگروه باید صرفاً بر اساس اسناد مندرج در ماده ۳۰ دستورالعمل، نظر نهایی خود را اعلام کند.

۶. الزامات تشریفات رسیدگی و اعلام نظر کارگروه در ماده ۲۸ دستورالعمل مقرر شده است.

۷. تبصره ۱ ماده ۲۶ دستورالعمل.

۸. نظر اعلامی کارگروه باید در قالب یکی از چهار حالت ذیل باشد (ماده ۳۱ دستورالعمل): ۱. نتیجه آزمون با اظهار صاحب

ب) رسیدگی تجدیدنظر؛^۱

ج) اولویت رسیدگی به پرونده‌ای که گمرک به سبب معطلی خروج محموله صادراتی در انتظار وصول جوابیه کارگروه یا محموله صادره با تضمین مأخوذه پیش از جوابیه کارگروه اعلام کرده است؛^۲

د) تشخیص قابل استفاده بودن یا نبودن نمونه شاهد و ماهیت آن؛^۳

ه) اعلام فهرست محصولات غیر قابل اختلاط با فرآورده‌های نفتی یارانه‌ای؛^۴

و) اعلام فهرست محصولات نفتی که کد شناسایی نیاز ندارند؛^۵

ز) اعلام فهرست مشتقات نفتی جامد و نیمه جامد قابل اختلاط با فرآورده‌های نفتی یارانه‌ای.^۶

با عنایت به این وظایف قانونی به خوبی روشن است که فلسفه وجودی کارگروه، تعیین ماهیت

کالاتطابق داشته و فرآورده نفتی یارانه‌ای با منشأ غیر مجاز در آن وجود ندارد؛^۲. نتیجه آزمون با اظهار صاحب کالاتطابق نداشته و فرآورده نفتی یارانه‌ای با منشأ غیر مجاز در آن وجود دارد؛^۳. اظهار صاحب کالا به جهت ارائه سند منشأ صادراتی غیر مجاز یا فقدان سند با واقع تطابق ندارد؛^۴. نتیجه آزمون با اظهار صاحب کالاتطابق ندارد و فرآورده نفتی یارانه‌ای با منشأ غیر مجاز در آن وجود ندارد.

۱. کارگروه تجدید نظر ملزم به تشکیل جلسه و بررسی پرونده نسبت به اعتراض ذی نفع از رأی کارگروه بدوی بوده و در صورت نیاز، آزمون تکمیلی یا مجدد، اقدام و نظر قطعی خود را حداکثر ۱۵ روز کاری، صادر و به گمرک و مرجع رسیدگی کننده ابلاغ می‌نماید. اگر کارگروه تجدیدنظر، زمان بیش‌تری برای رسیدگی لازم بداند، اعلام می‌نماید (ماده ۳۸ دستورالعمل و تبصره). در کارگروه تجدیدنظر، هیچ یک از اعضای کارگروه بدوی نباید حضور داشته باشند. مرجع ذی صلاح پذیرش اعتراض به نظریه اعلامی کارگروه بدوی، مرجع رسیدگی کننده به پرونده است و گمرک، مجاز به پذیرش نیست (ماده ۳۷ دستورالعمل).

۲. ماده ۲۹ دستورالعمل.

۳. تبصره ۵ ماده ۲۶ دستورالعمل.

۴. کارگروه ملزم است فهرست محصولات نفتی که به لحاظ ماهیت و شکل، امکان ترکیب یا اختلاط با فرآورده‌های نفتی یارانه‌ای را ندارند، اعلام نماید (تبصره ۱ ماده ۱۸ دستورالعمل). این محصولات نیازی به ارجاع به کارگروه برای اعلام نظر و نیز نیاز به کد شناسایی ندارند (ماده ۱۸ دستورالعمل).

۵. کارگروه ملزم است فهرست محصولات نفتی خاصی که بدون نیاز به اخذ کد شناسایی امکان صادرات دارند را به گمرک ایران اعلام کند (تبصره ۳ ماده ۱۸ دستورالعمل).

۶. کارگروه ملزم است فهرست این‌گونه محصولات را که نیاز به دریافت کد شناسایی نداشته، اما برای اعلام نظر کارگروه ارجاع می‌شوند، به گمرک ایران اعلام نماید (تبصره ۴ ماده ۱۸).

محموله‌های نفتی صادراتی و کارشناسی فنی و تخصصی آن‌ها از نظر تشخیص وجود یا نبود مواد نفتی یارانه‌ای است. ترکیب کارگروه را نمایندگان دولت از سطح عالی‌رتبه اداری (نمایندگانی از وزارت‌خانه‌ها و سازمان مستقل اداری زیر نظر ریاست جمهوری)^۱ تشکیل می‌دهد و دبیرخانه آن در سازمان ملی استاندارد (ادارات کل) مستقر است. با توجه به ترکیب کارگروه می‌توان به خوبی اذعان داشت که این مرجع، یک نهاد اداری است. با این حال، مسئله اصلی این است که ماهیت حقوقی نظرهای اعلامی کارگروه چیست؟ به عبارتی روشن‌تر، آیا کارگروه، یک مرجع اداری تشخیصی، شبه قضایی یا کارشناسی است؟ اگر نهاد تشخیصی است، چرا دستورالعمل در تبیین هدف تأسیس کارگروه، آن را صراحتاً «مرجع رسیدگی کارشناسی و اعلام نظر فنی»^۲ تعریف کرده است؟ اگر نهاد شبه قضایی است، چرا نظرهای آن قاطع دعوا نیست و برای تصمیم‌گیری به مراجع رسیدگی‌کننده پرونده (حسب مورد، شعب ویژه سازمان تعزیرات حکومتی یا دادسرا و دادگاه انقلاب) اعلام می‌شود؟ در نهایت، اگر مرجع کارشناسی است، چرا نظرهای آن، منشأ رسیدگی به اتهام قاچاق و مستند رأی مراجع رسیدگی‌کننده قرار می‌گیرد؟ بدیهی است دریافت پاسخ دقیق به این مسئله افزون بر این‌که کارگروه را در ساختار نظام حقوق اداری ایران جانمایی می‌کند، ما را در تبیین نقش هنجاری تصمیم‌های آن و امکان اعمال نظارت قضایی دیوان عدالت اداری بر آن یاری می‌دهد.

دستورالعمل جامع امور نمایندگان قوه قضاییه و نظارت بر مراجع شبه قضایی مقرر می‌دارد که مرجع شبه قضایی، «مراجع اختصاصی اداری، شبه حقوقی، شبه کیفری، انتظامی یا صنفی است که جهت رسیدگی به صلاحیت، تخلفات، پیش‌گیری از طرح دعوا در دادگستری، قضا‌زدایی و جرم‌زدایی به موجب قوانین و مقررات ایجاد شده است.»^۳ در تعریفی که از مراجع اختصاصی اداری در اصلاحیه اخیر

۱. سازمان ملی استاندارد، نهاد مستقل دولتی زیر نظر مستقیم رئیس جمهور است. این سازمان تا پیش از تصویب قانون اصلاح قوانین و مقررات مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران در سال ۱۳۷۱ با عنوان «مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران» در بدنه وزارت صنایع (وزارت صنعت، معدن و تجارت کنونی) قرار داشت و پس از آن دارای شخصیت حقوقی مستقل شد و طبق تصویب‌نامه جلسه ۱۵۲ شورای عالی اداری در تاریخ ۱۳۹۰/۷/۲۴ به «سازمان ملی استاندارد ایران» تغییر نام داد و زیر نظر مستقیم ریاست جمهوری قرار گرفت.

۲. تبصره ۱ ماده ۲۸ دستورالعمل.

۳. بند «ت» ماده ۱ دستورالعمل جامع امور نمایندگان قوه قضاییه و نظارت بر مراجع شبه قضایی، مصوب ۱۳۹۹.

قانون آیین دادرسی دیوان عدالت اداری ارائه شده است،^۱ این مراجع شامل «مراجع شبه قضایی» (موضوع بند ۲ ماده ۱۰ و ماده ۶۳ قانون) و «مراجع اداری تشخیصی» (موضوع ماده ۶۴ قانون) عنوان شده است. به عبارتی، مراجع اختصاصی اداری به «کلیه مراجع و هیئت‌هایی که به موجب قوانین و مقررات قانونی، خارج از مراجع قضایی تشکیل می‌شوند و اقدام به رسیدگی به اختلافات، تخلفات و شکایاتی می‌کنند که در صلاحیت آن‌ها قرار داده شده است؛ نظیر هیئت‌های رسیدگی به تخلفات اداری، کمیسیون‌های مواد (۹۹) و (۱۰۰) قانون شهرداری...، هیئت‌های حل اختلاف مالیاتی، هیئت‌های حل اختلاف کارگر و کارفرما...» (مراجع شبه قضایی) و هم‌چنین «هیئت‌هایی که به موجب قوانین و مقررات قانونی، تشخیص موضوعاتی از قبیل صلاحیت‌های علمی، تخصصی، امنیتی و گزینشی به عهده آن‌ها واگذار شده باشد» (مراجع اداری تشخیصی) اطلاق می‌شود. فارغ از اختلاف تفسیری از مفاد احکام قانونی یادشده، از این تعاریف به خوبی روشن می‌شود که داشتن صلاحیت «رسیدگی» ترافی با هدف قضا‌دایی، برای اطلاق شبه قضایی بودن یک مرجع اداری (خارج از قوه قضاییه) ضرورت دارد. در واقع، باید چنین مرجعی به موضوع رسیدگی و رأی مقتضی صادر کند؛ حال آن‌که اولاً کارگروه صلاحیت ترافی ندارد،^۲ بلکه صلاحیت تشخیصی دارد. ثانیاً به اتهام قاچاق رسیدگی نمی‌کند، بلکه در خصوص ماهیت محموله نظر کارشناسی می‌دهد. ثالثاً نظر کارگروه منشأ دادرسی است و موجب تشکیل پرونده اتهام قاچاق فرآورده نفتی می‌شود و نه این‌که بسان رأی مرجع رسیدگی‌کننده، قاطع دعوا باشد، برای اشخاص حق و تکلیف ایجاد کند و حکم لازم الاجرائی باشد.^۳ در واقع، نظر کارگروه برای اصدار رأی مقتضی به مراجع رسیدگی‌کننده (حسب مورد، شعب ویژه رسیدگی به قاچاق کالا و ارز سازمان تعزیرات حکومتی یا دادسرا و دادگاه انقلاب) اعلام می‌شود. بنابراین، کارگروه، یک مرجع شبه قضایی نیست.

۱. تبصره ۳ ماده ۳ قانون آیین دادرسی دیوان عدالت اداری با آخرین اصلاحات.

۲. اولاً کارگروه، حکم قضیه را تعیین نمی‌کند و صرفاً نظر خود را به مرجع رسیدگی‌کننده برای اصدار رأی مقتضی اعلام می‌کند. ثانیاً امکان حضور صاحب کالا در جلسات کارگروه بدوی وجود ندارد و در جلسات کارگروه تجدید نظر هم تنها می‌تواند برای تسلیم اظهارات شفاهی حاضر شود (نک: بخش تعاریف در دستورالعمل). این دلایل به خوبی از غیر ترافی بودن و تصمیم‌گیری یک‌جانبه کارگروه حکایت دارد.

۳. باقری زیاری، رحیم و عباس حق‌پنهان، «جایگاه مراجع شبه قضایی در نظام حقوقی ایران»، مجله علمی پژوهشی حقوق پزشکی، ویژه‌نامه نوآوری حقوقی، شماره ۱۵، ۱۴۰۰، صص ۸۴۵-۸۲۹.

آیا کارگروه، مرجع اداری «تشخیصی» است؟ این نهاد از این نظر که به عنوان مرجع تشخیص مشابهت داشتن یا نداشتن محموله صادراتی با فرآورده‌های نفتی یارانه‌ای تصمیم‌گیری می‌کند و خود نسبت به اتهام قاچاق رسیدگی و اصدار رأی نمی‌کند، بسان یک مرجع «تشخیصی» اداری جلوه می‌نماید.^۱ گزینش‌گری کارگروه در تصمیم‌گیری و اعلام نظر خود، ماهیت تشخیص و قضاوت در خصوص وجود یا نبود مواد یارانه‌ای در محموله نفتی و میزان مشابهت آن با مشتقات نفتی یارانه‌ای دارد؛ به این معنی که کارگروه، قدرت انتخاب در اعلام مشابهت داشتن یا نداشتن دارد، اما تصمیم‌گیری آن باید در چارچوب ضوابط دستورالعمل و دیگر احکام قانونی خاص باشد که جنبه آمره دارند.^۲ با این‌که تبصره ۱ ماده ۲۸ دستورالعمل، کارگروه را صراحتاً مرجع «کارشناسی» بیان کرده است، اما نگارندگان به دلایلی معتقدند که این مرجع پس از بررسی و کارشناسی فنی محموله نفتی، در نهایت، «تصمیم اداری تشخیصی» می‌گیرد و وجه تسمیه‌ای با اعلام نظر کارشناسی از سوی مراجعی چون کارشناسان رسمی دادگستری ندارد. این دلایل را می‌توان چنین شمرد:

اول. برخی وظایف کارگروه جنبه تصمیم‌گیری و اجرایی دارد که با ماهیت نظر کارشناسی معمول در آیین‌های دادرسی مدنی، اداری و کیفری کاملاً متفاوت است که صرفاً به علم قاضی در کشف حقیقت موضوع کمک می‌کند.^۳ از جمله این‌که اعلام فهرست محصولات غیر قابل اختلاط با فرآورده‌های نفتی یارانه‌ای، فهرست محصولاتی که کد شناسایی نیاز ندارند و فهرست مشتقات نفتی جامد و نیمه جامد قابل اختلاط با فرآورده‌های نفتی یارانه‌ای از صلاحیت‌های اختیاری است که نوعاً تصمیم‌گیری برای احصای مصادیق این محصولات است و ماهیت کارشناسی ندارد، بلکه یک عمل وضعی یک‌جانبه و بسان تنظیم‌گری و مقررات‌گذاری (رگولاتوری)^۴ است.^۵ همین امر، قرینه‌ای

۱. شبیبانی، عادل و غلام‌رضا مولایی، «درآمدی بر مفهوم صلاحیت تشخیصی و بایسته‌های نظارت قضایی دیوان عدالت اداری بر صلاحیت تشخیصی مراجع اختصاصی اداری»، حقوق اداری، شماره ۲۶، ۱۴۰۰، صص ۱۲۹-۱۱۱.

۲. همان، ص ۱۱۷.

۳. ساعی، سید محمدهادی و مریم ثقفی، «بررسی اعتبار نظریه کارشناس از منظر فقه و حقوق»، مجله حقوقی دادگستری، دوره هفتاد و هفتم، شماره ۸۳، ۱۳۹۲، صص ۱۱۲-۸۸.

4. Regulatory

۵. هداوند، مهدی و فرهاد جم، «مفهوم دولت تنظیم‌گر: تحلیل تنظیم‌گری به مثابه ابزار حکمرانی»، راهبرد، دوره سی‌ام، شماره ۹۹، ۱۴۰۰، صص ۲۶۶-۲۲۷.

بر رد این ادعاست که کارگروه صرفاً یک مرجع کارشناسی است. اگر این گونه بود، فهرست این محصولات را باید مقام صلاحیت‌دار مقررات‌گذار به ویژه وزارت نفت تصویب و ابلاغ می‌کرد.

دوم. فرآیند اعلام نظر کارگروه با نظام اعلام نظر کارشناسی منطبق نیست. در رسیدگی‌های قضایی، نظر کارشناس اعم از این‌که پیش از تشکیل پرونده و استماع دعوا (ماده ۱۴۹ آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی) یا پس از آن اعلام شود (برای نمونه: ماده ۲۵۷ آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی، ماده ۱۵۵ آیین دادرسی کیفری، ماده ۷ و بند ۴ ماده ۶۳ قانون آیین دادرسی دیوان عدالت اداری)، مبنای آغاز رسیدگی و دادرسی نیست. نظر اعلامی کارگروه مسبوق بر تشکیل پرونده و دادرسی مرجع رسیدگی‌کننده و مبنای رسیدگی آن است. به عبارتی روشن‌تر، اگر نظر کارگروه مبنی بر مشابهت محموله صادراتی با مواد نفتی یارانه‌ای نباشد، موضوع برای تشکیل پرونده و صدور رأی مقتضی به مرجع رسیدگی‌کننده ارجاع نمی‌شود. در واقع، دادرسی پرونده‌های قاچاق فرآورده‌های نفتی، فرآیندی است که نظر اعلامی کارگروه در ابتدای آن قرار دارد و علت تام آغاز رسیدگی در مراجع صلاحیت‌دار است. پس نظر کارگروه نوعاً تصمیم اداری به لزوم اعلام جرم (از سوی گمرک) و تشکیل پرونده (در مراجع رسیدگی‌کننده) است که اقدامات اجرایی گمرک و حسب مورد، رسیدگی‌های شبه قضایی یا قضایی موضوع از سوی مراجع صلاحیت‌دار را الزام می‌دارد. پس کارویژه کارگروه با عملکرد بازپرس در آیین دادرسی کیفری مشابهت پیدا می‌کند که نظرهای آن در قالب قرار قضایی، نوعی «تصمیم» موجد صدور قرار جلب دادرسی متهم است که با نظر کارشناس، تمایز مفهومی و حکمی دارد.^۱ با این تعبیر، هم‌چنان‌که بازپرس، مقام قضایی است و نظرش، تصمیم قضایی است، نه کارشناسی قضایی، کارگروه نیز چون مقام اداری است و نظرهایش، منشأ دادرسی پرونده‌های قاچاق فرآورده‌های نفتی و مستوجب آثار اجرایی است، در واقع، تصمیم اداری می‌گیرد.

سوم. دودرجه‌ای بودن فرآیند رسیدگی در کارگروه نیز یکی دیگر از دلایلی است که نشان می‌دهد نظر

Heled, Y., Rutschman, A.S., Vertinsky, L., "Regulatory Reactivity", Food and Drug Law Journal, Vol.76, No.2, 2021, pp.318-36.

۱. یوسفی، ایمان و مهدی شفیعی، «مطالعه جایگاه بازپرس در قانون قدیم و جدید آیین دادرسی کیفری»، فصل‌نامه قضاوت، دوره هفدهم، شماره ۹۰، ۱۳۹۶، صص ۱۴۲-۱۲۵.

کارگروه نوعاً نظریه‌کارشناسی نیست. وجود دو درجه بدوی و تجدیدنظر در بدنه کارگروه، به دادرسی پرونده‌ها اختصاص دارد و با مراجع قضایی و شبه‌قضایی شباهت پیدا می‌کند. البته همان طور که پیش‌تر بیان شد، کارگروه، مرجع شبه‌قضایی نیست و دودرجه‌ای بودن نظردهی آن نوعاً تأسیس بدیعی در حقوق اداری ایران تلقی می‌شود. شاید بتوان یکی از علل اصلی امکان تجدیدنظرخواهی از نظرهای اعلامی کارگروه را اهمیت و حساسیت بالای تصمیم کارگروه دانست که علت تام آغاز دادرسی پرونده اتهام قاچاق فرآورده نفتی است. در حقیقت، دودرجه‌ای بودن آن به نوعی به اطمینان‌یابی بیش‌تر و افزایش دقت و صحت آزمایش نمونه شاهد کمک می‌کند. این در حالی است که کارشناسی، امری مبتنی بر مراحل است و نه درجات رسیدگی. مراحل کارشناسی حسب رویه قضایی و مبتنی بر حکم ماده ۲۵۸ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی، ابتدا توسط یک نفر و سپس به ترتیب در هیئت‌های سه، پنج، هفت، نه و یازده نفره و در نهایت، شورای عالی کارشناسان انجام می‌شود. این در حالی است که اعلام نظر کارگروه تنها برای یک بار و در صورت اعتراض در قالب تجدیدنظرخواهی از نظر کارگروه بدوی قابل رسیدگی است. افزون بر این‌که هر دو کارگروه بدوی و تجدیدنظر، سه عضو دارند، در حالی که اگر کارگروه، یک مرجع کارشناسی باشد، اصولاً باید کارگروه تجدیدنظر، مرکب از پنج عضو می‌بود. بنابراین، کارگروه تجدیدنظر به صورت مرجع عالی و درجه دو عمل می‌کند و نه به عنوان هیئت کارشناسی جای‌گزین.

چهارم. آیین عملکردی کارگروه در اعلام نظر خود با آن‌چه کارشناسان عمل می‌کنند، تفاوت اساسی دارد. در میان کارشناسان رسمی دادگستری، این یک عرف مسلم است که به «اصل تناظر» (منتج از روح حاکم بر اصول کارشناسی منصفانه)^۲ پای بند باشند.^۳ این اصل ناظر بر این است که کارشناس باید بستری فراهم کند که طرفین رسیدگی به طور برابر بتوانند از حقوق خویشتن در روند رسیدگی دفاع کنند و برای هیچ یک از آنان تبعیض قائل نشود. بنابراین، همه تشریفات و آیین رسیدگی اعم از حضور در جلسه رسیدگی و دفاع از حقوق خود باید به صورت کاملاً منصفانه و برابر برای طرفین

۱. شمس، عبدالله، آیین دادرسی مدنی دوره پیشرفته (جلد اول)، تهران: دراک، چاپ چهل و ششم، ۱۴۰۲.

۲. نک: قسم‌نامه مندرج در ماده ۱۷ قانون کارشناسان رسمی دادگستری، مصوب ۱۳۸۱.

۳. محمدی، سام و مهران قلی‌پور علمداری، «مطالعه تطبیقی اصل تناظر در حقوق ایران و انگلیس»، پژوهش حقوق خصوصی، دوره چهارم، شماره ۱۵، ۱۳۹۵، صص ۱۲۷-۱۰۹.

رسیدگی فراهم شود. این در حالی است که این امر در رسیدگی کارگروه موضوعیت ندارد؛ چون امکان حضور صاحب کالا در جلسات کارگروه بدوی وجود ندارد و اساساً نظرهای وی استماع نمی‌شود. در جلسات کارگروه تجدیدنظر هم صاحب کالا تنها می‌تواند با درخواست رسمی صرفاً برای تسلیم اظهارات شفاهی. نه کتبی. حاضر شود.^۱

از این رو، تصمیم‌گیری کارگروه جنبه یک‌جانبه و غیر تناظری دارد. جالب آن است که نظر کارگروه به صورت مستقیم در اعلام تخلف یا جرم از سوی گمرک مؤثر است. چون اعلام قاچاق، صلاحیت تکلیفی گمرک است، عملاً این امر از سوی کارگروه صورت گرفته است، در حالی که نظر کارشناسی هرگز الزام قانونی به اعلام جرم یا تخلف ایجاد نخواهد کرد. بنابراین، کارگروه با کارشناسی در شیوه عملکردی و آثار تصمیم‌گیری در آیین دادرسی تفاوت بنیادین دارد.

پنجم. اعلام نظر این مرجع موجب اقدامات اجرایی گمرک از جمله گرفتن تضمین از ذی نفع (متهم) می‌شود. مطابق ضوابط دستورالعمل، گمرک ملزم است در پی اعلام نظر کارگروه، اقدامات اجرایی متعددی را انجام دهد که نشان می‌دهد نظر کارگروه صرفاً یک نظر کارشناسی مشورتی برای مراجع رسیدگی‌کننده به پرونده نیست، بلکه نوعاً تصمیمی است که مبنای اقدامات گمرک قرار می‌گیرد و اجرایی ساختن مراتب اداری و آثار قانونی آن برای این دستگاه دولتی الزام‌آور است:

۱- عدم اجازه خروج برخی محموله‌های نفتی که هنوز کارگروه نسبت به آن‌ها اعلام نظر نکرده است؛^۲ اعلام جرم یا تخلف قاچاق؛^۳ اعلام جرم یا تخلف قاچاق؛^۴

۳- ابلاغ نظریه اعلامی کارگروه و نتایج آزمون به صاحب کالا؛^۴

۴- اخذ تضامین از صاحب کالا برای محصولی که نسبت به آن اعلام جرم یا تخلف قاچاق شده است.^۵

۱. نک: بخش تعاریف در دستورالعمل (کارگروه تجدیدنظر).

۲. ماده ۴۸ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز (با آخرین اصلاحات سال ۱۴۰۱)؛ تبصره‌های ۱ و ۲ ماده ۲۴ دستورالعمل.

۳. این امر صرفاً در مواردی که نظر کارگروه بر وجود مواد نفتی با منشأ غیر مجاز در محموله صادراتی باشد (بند «ب» و «پ» ماده ۳۱ دستورالعمل)، صورت می‌گیرد. (ماده ۳۲ دستورالعمل)

۴. تبصره ماده ۳۲ دستورالعمل.

۵. ماده ۳۴ دستورالعمل.

اگر کارگروه صرفاً مرجع کارشناسی بود، نظرهای اعلامی آن می‌بایست ضرورتاً طریقت در رسیدگی به موضوع می‌داشت، حال آن‌که نظر کارگروه مبنی بر وجود مشابهت مواد نفتی یارانه‌ای، ضمن الزام به اعلام قاچاق و انجام شدن اقدامات اجرایی پیش‌گفته موجب تشکیل پرونده در مراجع رسیدگی‌کننده می‌شود و مستند رأی دادرس قرار می‌گیرد. از این منظر، نظر کارگروه در دادرسی پرونده‌های قاچاق فرآورده‌های نفتی صرفاً موضوعیت می‌یابد.

از این مسائل به خوبی برمی‌آید که در اندیشه واضعان دستورالعمل، این مسئله مفروض گرفته شده است که نظر کارگروه نوعاً جنبه تعیین‌کننده در تحقیق و کشف قاچاق و آغاز دادرسی آن دارد و تصمیمی می‌گیرد که ماهیت تشخیصی و آثار اجرایی دارد. اگر به تبصره ۱ ماده ۲۸ دستورالعمل نیز نگریسته شود، تصریح این ماده به این‌که نظر اعلامی کارگروه «در مراجع رسیدگی‌کننده در خصوص فرآورده و مشتق نفتی مورد استناد خواهد بود»، ناظر بر همین مفروض است. به عبارتی روشن‌تر، به نظر می‌رسد واضعان دستورالعمل به خوبی به این مسئله واقف بوده‌اند که عملاً آن چه ماهیت محموله صادراتی نفتی را از نظر مشابهت با مواد نفتی یارانه‌ای مشخص می‌سازد و مبنای تشکیل پرونده و آغاز دادرسی قرار می‌گیرد، نظر کارگروه است و دادرس در رسیدگی به پرونده با توجه به فنی بودن موضوع، نوعاً مبنای احراز وقوع تخلف یا جرم را حسب مورد همان نظر اعلامی کارگروه قرار می‌دهد. البته این‌که دادرس نقش منفعل داشته باشد و در تحقیق و کشف جرم یا تخلف قاچاق صرفاً به نظر اعلامی کارگروه بسنده کند، با اصول دادرسی منصفانه و اصل استقلال قاضی در تعارض آشکار خواهد بود.^۱

با عنایت به مطالب پیش‌گفته و ذکر این نکته که نظر کارگروه از نظر ماهوی، ناظر بر تشخیص وجود یا نبود مواد یارانه‌ای در محموله نفتی است و عملاً تحقق یافتن یا نیافتن قاچاق فرآورده نفتی را محرز می‌سازد، صلاحیت کارگروه از نوع اداری تشخیصی است. ملهم از تعریف ارائه‌شده از این نوع صلاحیت‌ها در آموزه‌های حقوقی،^۲ تکلیف کارگروه در رسیدگی فنی و تخصصی فرآورده‌های نفتی

۱. ساقیان، محمد مهدی و زهرا اسلامی، «کارکردهای اصول راهبردی آیین دادرسی کیفری»، آموزه‌های حقوق کیفری، دوره هجدهم، شماره ۲۲، ۱۴۰۰، صص ۱۵۴-۱۲۵؛

Stainton, I. & Ewin, R., *Criminal investigation*, Critical Publishing: London, 2022.

۲. شبانی و مولایی، پیشین، ص ۱۱۹.

صادراتی به نوعی داوری در خصوص ماهیت آن‌هاست که بنا بر استانداردها، مقتضیات خدمات عمومی و ضرورت‌های ناشی از سیاست‌های کلان جامعه. از جمله مبارزه با قاچاق کالا، حمایت از تولید ملی، جلوگیری از فساد اقتصادی و افزایش توان صنعت در صادرات، ارزآوری و اشتغال‌زایی. مبتنی بر احکام و ضوابط قانونی و معیارها و استانداردهای اعلامی مراجع اداری مربوط. وزارت صمت، سازمان ملی استاندارد و وزارت نفت. تصمیم می‌گیرد. به طور کلی، کارویژه مراجع اداری تشخیصی، «تشخیص موضوعات تخصصی از قبیل صلاحیت‌های علمی، فنی، امنیتی و گزینشی» با خصلت شبه‌ترافیعی^۱ است که در خصوص کارگروه تعیین ماهیت، صلاحیت تخصصی فنی با همان ویژگی شبه‌ترافیعی^۲ حاکم است.

گفتار دوم. امکان سنجی بازنگری قضایی دیوان در تصمیمات شعب ویژه و کارگروه

متعاقب اعلام نظر کارگروه، گمرک موظف است مراتب تخلف یا جرم قاچاق فرآورده نفتی را به مرجع صلاحیت‌دار برای رسیدگی و صدور حکم مقتضی اعلام کند. همان‌طور که پیش‌تر بیان شد، دادسرا و دادگاه انقلاب، مرجع صالح رسیدگی به پرونده‌های «جرائم» قاچاق فرآورده‌های نفتی است و شعب ویژه رسیدگی به قاچاق کالا و ارز سازمان تعزیرات حکومتی نیز صلاحیت رسیدگی به «تخلفات» قاچاق مشتقات نفتی را دارند. شعب ویژه سازمان تعزیرات حکومتی، در دو درجه بدوی و تجدیدنظر تشکیل می‌شوند. شعب بدوی ویژه قاچاق کالا و ارز، مراجع تخصصی هستند که رؤسای آن‌ها از میان رؤسا و اعضای شعب سازمان با ابلاغ رئیس سازمان منصوب می‌شوند. شعب تجدیدنظر نیز متشکل از یک نفر رئیس و دو نفر مستشارند و جلسات آن با حضور رئیس و حداقل یکی از مستشاران رسمیت می‌یابد که رأی صادرشده با نظر موافق حداقل دو نفر از اعضا معتبر و لازم‌الاجراست.^۳ چون سازمان تعزیرات

۱. به این معنا که «اولاً در اغلب آن‌ها، اشخاص در روند رسیدگی و اعلام نظر می‌توانند یا باید ادله و مستندات خود را در راستای اجابت خواسته مورد نظرشان ارائه کنند. ثانیاً نظر و تصمیم اعلام‌شده، گاه در ساختار همان مراجع با درخواست اشخاص قابل بازبینی و تجدیدنظر است.» (همان، ص ۱۲۳).

۲. اولاً صادرکننده کالا ملزم است مستندات مربوط به محموله صادراتی نفتی مزبور را تسلیم نماید (ثبت در سامانه برخط) و می‌تواند ادله خود را به کارگروه ارائه کند (فصل اول دستورالعمل). ثانیاً می‌تواند از نظر کارگروه بدوی اعتراض کند تا موضوع در کارگروه تجدیدنظر مجدداً مورد رسیدگی قرار گیرد (ماده ۳۷ دستورالعمل).

۳. ماده ۸ آیین‌نامه سازمان تعزیرات حکومتی.

حکومتی با وجود صلاحیت رسیدگی ترافیعی، مرجع قضایی نیست و در بدنه وزارت دادگستری تعریف شده است،^۱ به منظور اعمال نظارت قضایی بر پرونده‌های قاچاق در این سازمان، در قانون مقرر شده است که رئیس شعب تجدیدنظر ویژه رسیدگی به پرونده‌های قاچاق کالا و ارز به پیشنهاد رئیس سازمان پس از تأیید وزیر دادگستری از بین «قضات» دارای پایه ۹ قضایی پس از موافقت رئیس قوه قضاییه با ابلاغ ایشان منصوب شود.^۲ از میان اعضای شعب ویژه سازمان، تنها رئیس شعبه تجدیدنظر ویژه مقام قضایی است و رؤسای شعب بدوی ویژه و مستشاران شعب تجدیدنظر ویژه از میان مقامات قضایی نیستند.^۳ بنابراین، تفوق قضایی در رسیدگی و صدور حکم پرونده در این شعب وجود ندارد. حال آن‌که پرونده‌های قاچاق فرآورده‌های نفتی، مسائل تخصصی و پیچیده‌ای را به همراه دارند که رسیدگی به آن‌ها مستلزم داشتن مهارت فنی، دانش قضایی و تسلط به حقوق کیفری است و اگر این امر به غیر مقام قضایی واگذار شود، ممکن است دادرسی به دلیل نداشتن تخصص کافی در رسیدگی به آن‌ها، نقش منفعل داشته باشد و به نظر کارگروه اکتفا کند یا در بسیاری از موارد، استدلال حقوقی نه چندان دقیقی از ماهیت موضوع ارائه دهد؛ معضلی که در حال حاضر، دادرسی پرونده‌های قاچاق فرآورده‌های نفتی در سازمان تعزیرات حکومتی به آن مبتلاست.^۴

مطابق با روح حاکم بر اصل ۱۷۳ قانون اساسی، دیوان عدالت اداری، مرجع قضایی اختصاصی رسیدگی به شکایت شهروندان از تصمیمات و اقدامات دولتی است و از طرف دیگر، سازمان تعزیرات حکومتی نیز در بدنه دولت (وزارت دادگستری) تعریف شده است. بنابراین، اصولاً آرای قطعی صادرشده از شعب این سازمان که ماهیت غیر قضایی دارد و تصمیم اختصاصی اداری تلقی می‌شوند،^۵ قابل

۱. سازمان تعزیرات حکومتی زیر نظر وزیر دادگستری تشکیل (ماده ۱ آیین‌نامه سازمان تعزیرات حکومتی) و رییس آن، معاون وزیر دادگستری می‌باشد که توسط وزیر دادگستری منصوب شده و به تعداد مورد نیاز معاون خواهد داشت (ماده ۲ آیین‌نامه سازمان تعزیرات حکومتی).

۲. ماده ۴۹ قانون قاچاق.

۳. ماده ۱۰ آیین‌نامه سازمان تعزیرات حکومتی.

۴. پتفت، آرین و حامد کاویانی، «آسیب‌شناسی حقوقی رسیدگی به پرونده‌های قاچاق فرآورده‌های نفتی در پرتو حق بر دادخواهی»، حقوق پزشکی، ویژه‌نامه تحولات حقوقی، شماره ۱۶، ۱۴۰۱، صص ۱۱۸-۱۰۳.

۵. یزدان مهر، محمد، تحلیلی بر قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری، تهران: مجد، ۱۴۰۲.

اعتراض در شعب دیوان است.^۱ این امر در بطن استدلال هیئت عمومی دیوان نیز کاملاً مشهود است: «... نظر به این که ... سازمان تعزیرات حکومتی از اجزای قوه مجریه می باشد و شعب تعزیرات حکومتی در زمره مراجع اختصاصی اداری قرار دارند و در عداد مراجع قضایی ... محسوب نمی شوند، بنابراین، آرای قطعی شعب مزبور... قابل اعتراض و رسیدگی در دیوان است...»^۲.

در این زمینه اصولاً نباید میان شعب عادی و ویژه تعزیرات حکومتی قائل به تفاوت بود. با این حال، قانون‌گذار در قانون قاچاق، دیوان عدالت اداری را صالح به رسیدگی به اعتراض نسبت به آرای قطعی شعب ویژه تعزیرات حکومتی ندانسته و از این رو، دادرسی اداری را از فرآیند رسیدگی به پرونده‌های تخلفات قاچاق فرآورده‌های نفتی حذف کرده است.^۳ با این وجود، علت این که چرا قانون‌گذار میان شعب عادی و ویژه تعزیرات حکومتی قائل به تمیز شده و رسیدگی به اعتراض نسبت به رأی قطعی صادر شده از سوی شعبه ویژه را برخلاف شعبه عادی در صلاحیت دیوان عدالت اداری ندانسته است، معلوم نیست. شعب ویژه هم چون شعب عادی به عنوان بخشی از بدنه سازمان تعزیرات حکومتی، ماهیتاً مراجع اختصاصی اداری هستند و رأی قضایی صادر نمی‌کنند. از طرفی، همان طور که پیش تر بیان شد، رئیس شعبه ویژه بدوی، مقام قضایی نیست و در شعبه تجدیدنظر ویژه نیز که مقام قضایی ریاست آن را بر عهده دارد، تفوق قضایی برقرار نیست. پس بر اساس اصول کلی حقوق اداری نیز نمی‌توان رأی قطعی صادر شده از شعب ویژه را مشمول اعتبار امر مختومه قرار داد و مرجع قضایی را صالح به رسیدگی به اعتراض از این آرا ندانست.^۴ از این رو، حکم قانون به خروج صلاحیتی شعب دیوان عدالت اداری از این موضوع، درخور تأمل و قابل نقد است.

با عنایت به این که حق بر دادخواهی مستلزم حق شکایت ذی نفع از تصمیمات و اقدامات اداری در

۱. مستنبط از حکم بند ۲ ماده ۱۰ و تبصره ۳ ماده ۳ قانون دیوان عدالت اداری ۱۴۰۲.

۲. رأی شماره ۲۵۲ مورخ ۱۳۸۰/۸/۱۳ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری.

۳. تبصره ۲ ماده ۵۰ قانون قاچاق: «آرای صادره از شعب تعزیرات حکومتی در مورد پرونده‌های قاچاق کالا و ارز قابل اعتراض در دیوان عدالت اداری و سایر مراجع قضایی نیست.» این موضوع در رأی اخیر هیئت عمومی دیوان نیز تصریح شده است. (رأی شماره ۱۷۷۵ مورخ ۱۳۹۹/۱۱/۲۸ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری).

۴. پتفت، آراین و احمد مرکز مالگیری، مفهوم و قلمرو اصول کلی حقوق اداری: امکان و چگونگی استناد به آن در رسیدگی‌های قضایی، تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه، ۱۳۹۶.

مراجع قضایی. به عنوان مرجع اصلی و بی‌طرف حمایت از حقوق اشخاص. است، باید سازوکارهای امکانی صلاحیت دیوان عدالت اداری در رسیدگی به اعتراض ذی‌نفع در پرونده‌های قاچاق فرآورده نفتی را در نظر گرفت.^۱ بنابراین، تا جایی که امکان دارد، باید از ظرفیت‌های قانونی برای اعمال نظارت قضایی دیوان بر تصمیمات مراجع در فرآیند رسیدگی به تخلفات قاچاق فرآورده‌های نفتی استفاده کرد. در این میان، با توجه به رد صلاحیت رسیدگی دیوان بر آرای اصرداری شعب ویژه، تنها این مسئله قابل طرح است که آیا دیوان در رسیدگی به اعتراض ذی‌نفع از نظریه اعلامی کارگروه صلاحیت دارد؟ نظر اعلامی این مرجع، منشأ تشکیل پرونده قاچاق فرآورده نفتی نزد مراجع رسیدگی‌کننده است. به نظر می‌رسد که اگر این نظر در دیوان عدالت اداری ابطال شود، کل فرآیند رسیدگی به پرونده قاچاق متوقف می‌شود و همین مسئله می‌تواند تفوق قضایی را بر فرآیند رسیدگی به این گونه پرونده‌ها محقق سازد.

پیش‌تر بیان شد که با توجه به تبصره ۳ ماده ۳ قانون آیین دادرسی دیوان عدالت اداری و مفاد دستورالعمل و نیز رویه عملی فعالیت کارگروه، این مرجع، تصمیم اداری تشخیصی می‌گیرد. به حکم ماده ۶۴ قانون دیوان عدالت اداری (۱۴۰۲)، «در مواردی که به موجب قانون یا مصوبه‌ای لازم‌الاجرا، تشخیص موضوعاتی از قبیل صلاحیت‌های علمی، تخصصی، امنیتی و گزینشی به عهده کمیسیون یا هیئت‌هایی واگذار شده باشد، شعب دیوان فقط از جهت رعایت ضوابط قانونی و تطبیق موضوع و فرآیند بررسی آن بر اساس قانون یا مصوبه رسیدگی می‌کنند و در صورت شکایت شاکی از حیث تشخیص موضوع، شعبه رسیدگی‌کننده موظف است حسب مورد پس از ارجاع پرونده به هیئت کارشناسی تخصصی ذی‌ربط که توسط شعبه تعیین می‌گردد، با کسب نظر آنان، مبادرت به انشای رأی نماید.» با توجه به این که حسب احکام دستورالعمل، کارگروه در تعیین ماهیت مشتقات نفتی، صلاحیت تشخیصی تخصصی دارد، بنا به نص صریح این ماده، شعب دیوان، صلاحیت رسیدگی به اعتراض ذی‌نفع به نظریه اعلامی کارگروه را دارند و در صورت شکایت شاکی از نظر تشخیص موضوع، نظر هیئت کارشناسی تخصصی در مورد موضوع شکایت دریافت می‌شود. دیوان می‌تواند در این خصوص از ظرفیت قانونی «اعلام نظر کارشناسان متخصص» که در ماده ۷ قانون دیوان عدالت اداری منعکس شده است، بهره بگیرد.^۲

۱. همتی، مجتبی، «تحلیل قانون دیوان عدالت اداری از منظر استانداردهای خاص دادرسی منصفانه اداری، با نگاه به رویه دادگاه اروپایی حقوق بشر»، پژوهش حقوق عمومی، دوره نوزدهم، شماره ۵۵، ۱۳۹۶، صص ۲۷۲-۲۴۵.

۲. «دیوان می‌تواند جهت اعلام نظر در امور تخصصی، حسب مورد از کارشناسانی در رشته‌های مختلف که دارای مدرک

با این حال، حسب استعلام معاون قضایی دادستان کل کشور از دیوان عدالت اداری در مورد این مسئله که «آیا اعتراض به نظرات کارگروه مزبور در صلاحیت دیوان عدالت اداری است یا خیر؟»، پاسخ کمیسیون اداری، استخدامی و فرهنگی دیوان به این سؤال منفی بود.^۱ استدلال کمیسیون یادشده این است که «نظر کارگروه... کارشناسی است که فی نفسه ماهیت اجرایی ندارد و مبنای تصمیم‌گیری در مراجع رسیدگی‌کننده دیگری از قبیل دادگاه‌ها، دادسرا یا شعب سازمان تعزیرات حکومتی قرار می‌گیرد.» حال آن‌که این موضوع از چند جهت در خور نقد است:

اول - برخلاف نظر کمیسیون، نظر کارگروه همان طور که قبلاً به تفصیل بیان شد، فی نفسه ماهیت اجرایی دارد و گمرک ملزم به انجام اقدامات اداری نظیر اعلام تعلیق تسهیلات گمرکی، ممانعت از خروج محموله‌های صادراتی، ابلاغ مراتب لزوم پرداخت وجه مابه‌التفاوت، لغو خدمات‌رسانی و عرضه تسهیلات گمرکی و ابطال اظهارنامه صادراتی است.

دوم - همان طور که به تفصیل استدلال شد، نظریه اعلامی کارگروه ماهیتاً تصمیم اداری تشخیصی است.

سوم - در استعلام به عمل آمده از دیوان عدالت اداری در این زمینه، درست‌تر آن بود که به جای ارجاع موضوع به «کمیسیون اداری، استخدامی و فرهنگی»، از «کمیسیون صلاحیت و آیین دادرسی دیوان» برای اعلام نظر مشورتی بهره گرفته می‌شد؛ چون از یک سو، سؤال اصلی این استعلام را بحث از «صلاحیت» دیوان در رسیدگی به نظریه اعلامی کارگروه تشکیل می‌دهد، نه بررسی «اداری» ماهیت این نظریه و از سوی دیگر، به دلیل جنبه تخصصی موضوع از نظر امکان‌سنجی فرجام‌خواهی از نظر این مرجع نزد دیوان عدالت اداری و تحلیل آیین دادرسی اداری، کمیسیون اخیرالذکر به مراتب تخصص و اشراف بیش‌تری بر آن داشت.

با عنایت به این توضیحات، نگارندگان معتقدند که نظریه قطعی اعلامی کارگروه قابل اعتراض در شعب دیوان عدالت اداری است. خودداری ذی‌نفع از تجدیدنظرخواهی در مورد نظر کارگروه بدوی در مهلت تجدیدنظرخواهی، سالب حق دادخواهی وی از تصمیم کارگروه در دیوان عدالت اداری

کارشناسی با حداقل ده سال سابقه یا دارای حداقل مدرک کارشناسی ارشد با حداقل پنج سال سابقه در رشته مورد نیاز می‌باشند، بدون ایجاد تعهد استخدامی استفاده نماید...».

۱. نظر مشورتی شماره ۹۰۰۰/۲۰۰/۱۷۷۲۴/۲۰۰ مورخ ۱۴۰۱/۲/۴ کمیسیون اداری، استخدامی و فرهنگی دیوان عدالت اداری.

نیست؛ چون با وحدت ملاک از رأی وحدت رویه اخیرالصدور هیئت عمومی دیوان عالی کشور می‌توان استنباط کرد که همان طور که فرجام خواهی با اسقاط حق تجدیدنظرخواهی حتی قبل از انقضای مهلت تجدیدنظرخواهی قابل پذیرش است، اعتراض از نظریه اعلامی کارگروه پس از انقضای مهلت تجدیدنظرخواهی به سبب قطعی شدن تصمیم کارگروه نزد دیوان عدالت اداری قابل پذیرش است.^۱ بنابراین، نظرهای اعلامی کارگروه قابل تجدیدنظر است و نظرهای قطعی کارگروه بدوی در شعب دیوان در قالب اعتراض به تصمیم اداری تشخیصی موضوع ماده ۶۴ قانون آیین دادرسی دیوان عدالت اداری قابل طرح هستند.

در یکی از پرونده‌های شعبه سوم دیوان عدالت اداری در خصوص اعتراض به نظریه اعلامی قطعی کارگروه تعیین ماهیت،^۲ شاکی اعلام می‌کند که تصمیم کارگروه از نظر قانونی مخدوش است و خواستار تأیید نمونه برداری و اظهارنامه‌های صادراتی (کوتاژ) و رفع اثر از تصمیم کارگروه شده است. به بیان شاکی پرونده، کارگروه در اعلام نظر خود، تشریفات قانونی (از جمله رعایت مهلت زمانی، لحاظ ضریب خطای مجاز و آزمایش استاندارد از نمونه شاهد) را رعایت نکرده است. شعبه دیوان ضمن احراز صلاحیت خود در رسیدگی به این شکایت، این گونه رأی داد که کارگروه، مهلت قانونی اظهار نظر نهایی را بر اساس دستورالعمل رعایت نکرده و با چندین ماه تأخیر، نظر خود را اعلام داشته است و این در حالی است که علی‌القاعده، نمونه‌های گرفته شده از محموله نفتی صادراتی در طول این مدت دچار تغییر فرمولاسیون شده و حالت و ماهیت اولیه خویش را از دست داده‌اند و نتایج آزمایش انجام شده روی آن‌ها عملاً مخدوش و بی‌اعتبار است. از این رو، شعبه دیوان به ورود شکایت حکم داد و نظریه اعلامی کارگروه را با توجه به «عدم رعایت ضوابط قانونی» ابطال کرد. از این رأی شعبه دیوان به خوبی مشاهده می‌شود که دیوان با مفروض دانستن ماهیت اداری تشخیصی نظریه‌های اعلامی کارگروه و صلاحیت دیوان در رسیدگی به اعتراض اشخاص نسبت به آن (به موجب

۱. مطابق با رأی وحدت رویه شماره ۸۱۹ مورخ ۱۴۰۱/۱/۱۶ هیئت عمومی دیوان عالی کشور، اگر محکوم علیه در دعاوی حقوقی که به استناد ماده ۳۶۷ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی، حق فرجام خواهی دارد، به نحوی از انحاء، حق تجدیدنظرخواهی خود را اسقاط نماید، هم چنان حق فرجام خواهی برای ایشان محفوظ خواهد ماند و مرجع رسیدگی کننده نمی‌تواند به استناد اسقاط حق تجدیدنظرخواهی، درخواست فرجام خواهی را مسموع نداند.

۲. شماره دادنامه: ۱۴۰۳۱۳۹۰۰۰۲۲۴۷۳۲۱؛ مورخ ۱۴۰۰/۹/۳؛ شعبه ۳ بدوی دیوان عدالت اداری. این رأی در مرحله تجدیدنظر ابرام شد.

ماده ۶۴ قانون آیین دادرسی دیوان عدالت اداری)، رعایت نشدن ضوابط قانونی در تصمیم کارگروه را احراز و آن را از درجه اعتبار ساقط کرده است.

نظرهای اعلامی کارگروه در تشخیص نوع مواد محتوی محموله نفتی صادراتی از جهت انطباق با آن چه در اظهارنامه صادراتی اعلام شده و میزان مشابهت با مشتقات نفتی یارانه‌ای (مثلاً بنزین یا گازوئیل) همانند تصمیمات کمیسیون پزشکی موضوع ماده ۹۱ قانون تأمین اجتماعی در تشخیص نوع بیماری و میزان ازکارافتادگی کارگران است. شعب دیوان عدالت اداری در خصوص آرای صادره این کمیسیون نیز از نظر رعایت ضوابط قانونی اعمال بازنگری قضایی می‌کنند. برای نمونه، در پرونده شعبه ۱۵ دیوان، دادگاه اعلام می‌دارد که کمیسیون‌های پزشکی موضوع ماده ۹۱ قانون تأمین اجتماعی «... تنها حق اظهار نظر راجع به نوع بیماری و میزان از کار افتادگی را دارند. بنابراین، تاریخ ابتلا به بیماری در صلاحیت کمیسیون نبوده و می‌باید با ملاحظه مدارک پزشکی به عمل آید که رأی وحدت رویه شماره ۷۹ صادره از هیئت عمومی دیوان عدالت اداری، مؤید همین مطلب است. لذا با توجه به مراتب فوق، حکم به ابطال رأی مورخ... کمیسیون پزشکی تأمین اجتماعی استان تهران از حیث تاریخ و برقراری مستمری از کارافتادگی کلی که بر استفاده ماده ۷۵ قانون تأمین اجتماعی حایز شرایط می‌گردد، صادر و اعلام می‌گردد...»^۱.

کمیسیون ماده ۲۰ قانون مربوط به مقررات امور پزشکی و دارویی و مواد خوردنی و آشامیدنی، از جمله مراجع تخصصی دیگری است که با کارگروه شباهت دارد. تشخیص صلاحیت فنی متقاضیان ایفای مسئولیت در مؤسسات پزشکی و داروسازی یا صدور پروانه فعالیت در این خصوص و احراز صلاحیت آنان در ورود و ساخت هر نوع دارو و مواد بیولوژیک بر عهده این کمیسیون است. این کمیسیون تشخیص می‌دهد این که متقاضی، صلاحیت فعالیت در چه نوع مواد دارویی و بیولوژیک را دارد و محدوده مجوز فعالیت وی تا چه میزان است. رویه قضایی نشان می‌دهد که بازنگری قضایی در تصمیم‌های این کمیسیون از نظر رعایت ضوابط قانونی در صلاحیت شعب دیوان است. برای نمونه، در رأی شعبه ۳ تجدیدنظر دیوان مقرر شده است: «... اتخاذ تصمیم در خصوص لغو پروانه تأسیس و مسئول فنی داروخانه‌ها بر عهده محاکم قضایی است و حتی در صورتی که مطابق

۱. شماره دادنامه: ۸۱۷/۰۹۵۵۵۰۹۵۵۵۰۹۵۰۹۵۰ مورخ ۱۳۹۵/۳/۵؛ شعبه ۱۵ بدوی دیوان عدالت اداری. این رأی در مرحله تجدیدنظر ابرام شد.

آیین‌نامه داروخانه‌ها، تجدیدنظر در مورد صلاحیت دارندگان پروانه تأسیس یا مسئول فنی در صلاحیت کمیسیون ماده ۲۰ صدرالذکر باشد، بر اساس اصول دادرسی و محاکمات، اتخاذ تصمیم در این خصوص بایستی پس از ثبوت تخلف با رعایت شرایط و امکانات خاطی و دفعات و مراتب تخلف باشد که در ما نحن فیه تشریفات مذکور رعایت نگردیده و با این اوصاف، رأی معترض‌ عنه صادره از کمیسیون ماده ۲۰ از حیث کمال و کفایت رسیدگی و تناسب تخلفات انتسابی با مجازات تعیین شده مواجه با خدشه می‌باشد. در نتیجه، حکم به نقض آن و رسیدگی مجدد با توجه به مفاد این رأی صادر و اعلام می‌گردد...»^۱.

نتیجه‌گیری

در مقاله حاضر دریافتیم که برخی وظایف کارگروه تعیین ماهیت جنبه تصمیم‌گذاری و اجرایی دارند. اعلام نظر این مرجع موجب اقدامات اجرایی گمرک از جمله دریافت تضمین‌های متعدد از ذی‌نفع (متهم) می‌شود. هم‌چنین اعلام فهرست محصولات غیر قابل اختلاط با فرآورده‌های نفتی یارانه‌ای، فهرست محصولاتی که کد شناسایی نیاز ندارند و فهرست مشتقات نفتی جامد و نیمه‌جامد قابل اختلاط با فرآورده‌های نفتی یارانه‌ای از سوی کارگروه نوعاً اعمال وضعی یک‌جانبه است و ماهیت تنظیم‌گری دارند.

نظریه‌های اعلامی کارگروه برخلاف نظرهای کارشناسی، مبنای آغاز رسیدگی و دادرسی پرونده‌های تخلف و جرم قاچاق فرآورده‌های نفتی قرار می‌گیرد و از این رو، عملکرد کارگروه با بازپرس در آیین دادرسی کیفری مشابهت پیدا می‌کند. نظر کارگروه، مبتنی بر درجات بدوی و تجدیدنظر است و نه مراحل. چنان‌چه ذی‌نفع به نظریه اعلامی کارگروه بدوی اعتراضی داشته باشد، موضوع را در مرجع رسیدگی‌کننده به پرونده مطرح می‌کند و پس از ارجاع شکایت، کارگروه تجدیدنظر، ملزم به رسیدگی به آن است. آیین عملکردی کارگروه نیز با آن‌چه کارشناسان به آن عمل می‌کنند، از دو جنبه، یعنی یک‌جانبه بودن و غیر تناظری بودن تفاوت اساسی دارد.

از مجموع این مطالب دریافته شد که کارگروه، مرجع اداری تشخیصی است و تصمیم آن با نظر کارشناسی تفاوت ماهوی دارد. از این رو، برخلاف نظر مشورتی کمیسیون اداری، استخدامی و

۱. شماره دادنامه: ۹۱۰۹۹۷۰۹۰۰۳۰۲۵۱۲؛ مورخ ۱۳۹۱/۸/۲۱؛ شعبه ۳ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری.

فرهنگی دیوان عدالت اداری، مقاله حاضر نشان داد که نظریه اعلامی کارگروه با توجه به ماهیت اداری تشخیصی آن در شعب دیوان قابل اعتراض است. در این راستا، بازنگری قضایی دیوان در تصمیم‌های کارگروه با توجه به سیاق ماده ۶۴ قانون آیین دادرسی دیوان عدالت اداری می‌تواند در قالب «بررسی و تطبیق موضوع از جهت رعایت ضوابط قانونی» اعمال شود؛ هم‌چنان‌که با بررسی رویه قضایی دیوان محرز شد که شعب دیوان به اعتراض اشخاص از تصمیمات مراجع تخصصی اداری مشابه با کارگروه. که نوع و میزان موضوع تخصصی و فنی تحت صلاحیت خود را تشخیص می‌دهند. رسیدگی کرده‌اند. حتی دیوان در یکی از پرونده‌ها، شعبه خود را به اعمال بازنگری بر نظریه اعلامی کارگروه، صالح دانسته است.

افزون بر این، چون تفوق قضایی بر شعب ویژه سازمان تعزیرات حکومتی وجود ندارد و به سبب نص صریح قانون، دیوان، صلاحیت بازنگری قضایی بر آرای این شعب را ندارد و از طرفی، با عنایت به حساسیت بسیار زیاد و تخصصی بودن پرونده‌های تخلف قاچاق فرآورده‌های نفتی که ماهیت کیفری دارند، باید تا جایی که امکان دارد، از ظرفیت‌های قانونی برای اعمال نظارت قضایی بر تصمیمات مراجع در فرآیند رسیدگی به تخلفات قاچاق فرآورده‌های نفتی استفاده کرد. این امر نمی‌تواند خلأ نظارت قضایی دیوان بر آرای شعب ویژه تعزیراتی را جبران سازد، اما به هر حال، گامی رو به جلو در راستای بهبود تفوق قضایی در فرآیند دادرسی پرونده‌های قاچاق فرآورده‌های نفتی محسوب می‌شود. به همین سبب، لزوم اعمال نظارت قضایی دیوان بر نظرهای اعلامی کارگروه که منشأ تشکیل پرونده‌های تخلف قاچاق فرآورده‌های نفتی می‌شود، از نظر استدلالی نیز امری قابل دفاع و ضروری جلوه می‌کند.

فهرست منابع

۱. فارسی

الف) کتاب

۱. پتفت، آرین و احمد مرکز مالگیری، مفهوم و قلمرو اصول کلی حقوق اداری: امکان و چگونگی استناد به آن در رسیدگی های قضایی، تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه، ۱۳۹۶.
۲. شمس، عبدالله، آیین دادرسی مدنی دوره پیشرفته (جلد اول)، تهران: دراک، چاپ چهل و ششم، ۱۴۰۲.
۳. شیروی، عبدالحسین، حقوق نفت و گاز، تهران: میزان، ۱۴۰۰.
۴. موسوی، سید حسن، تحلیل حقوقی الگوی قراردادی خدمت در بخش بالادستی صنعت نفت و گاز ایران، تهران: گنج دانش، ۱۳۹۹.
۵. یزدان مهر، محمد، تحلیلی بر قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری، تهران: مجد، ۱۴۰۲.

ب) مقاله

۱. امیررحیمی، حسین و همکاران، «بررسی وضعیت خصوصی سازی صنایع پالایش نفت ایران با رویکرد DID (فازی)»، پژوهش نامه اقتصاد انرژی ایران، دوره دهم، شماره ۳۷، ۱۳۹۹، صص ۳۵-۱۱.
۲. باقری زیاری، رحیم و عباس حق پناهان، «جایگاه مراجع شبه قضایی در نظام حقوقی ایران»، مجله علمی پژوهشی حقوق پزشکی، ویژه نامه نوآوری حقوقی، شماره ۱۵، ۱۴۰۰، صص ۸۴۵-۸۲۹.
۳. پتفت، آرین و حامد کاویانی، «آسیب شناسی حقوقی رسیدگی به پرونده های قاچاق فرآورده های نفتی در پرتو حق بر داد خواهی»، حقوق پزشکی، ویژه نامه تحولات حقوقی، شماره ۱۶، ۱۴۰۱، صص ۱۱۸-۱۰۳.
۴. ساعی، سید محمد هادی و مریم ثقفی، «بررسی اعتبار نظریه کارشناس از منظر فقه و حقوق»، مجله حقوقی دادگستری، دوره هفتاد و هفتم، شماره ۸۳، ۱۳۹۲، صص ۱۱۲-۸۸.
۵. ساقیان، محمد مهدی و زهرا اسلامی، «کارکردهای اصول راهبردی آیین دادرسی کیفری»،

- آموزه‌های حقوق کیفری، دوره هجدهم، شماره ۲۲، ۱۴۰۰، صص ۱۵۴-۱۲۵.
۶. شیبانی، عادل و غلام‌رضا مولاییگی، «درآمدی بر مفهوم صلاحیت تشخیصی و بایسته‌های نظارت قضایی دیوان عدالت اداری بر صلاحیت تشخیصی مراجع اختصاصی اداری»، حقوق اداری، شماره ۲۶، ۱۴۰۰، صص ۱۲۹-۱۱۱.
۷. محمدی، سام و مهران قلی‌پور علمداری، «مطالعه تطبیقی اصل تناظر در حقوق ایران و انگلیس»، پژوهش حقوق خصوصی، دوره چهارم، شماره ۱۵، ۱۳۹۵، صص ۱۲۷-۱۰۹.
۸. هداوند، مهدی و فرهاد جم، «مفهوم دولت تنظیم‌گر: تحلیل تنظیم‌گری به مثابه ابزار حکمرانی»، راهبرد، دوره سی‌ام، شماره ۹۹، ۱۴۰۰، صص ۲۶۶-۲۲۷.
۹. همتی، مجتبی، «تحلیل قانون دیوان عدالت اداری از منظر استانداردهای خاص دادرسی منصفانه اداری، با نگاه به رویه دادگاه اروپایی حقوق بشر»، پژوهش حقوق عمومی، دوره نوزدهم، شماره ۵۵، ۱۳۹۶، صص ۲۷۲-۲۴۵.
۱۰. یوسفی، ایمان و مهدی شفیعی، «مطالعه جایگاه بازپرس در قانون قدیم و جدید آیین دادرسی کیفری»، فصل‌نامه قضاوت، دوره هفدهم، شماره ۹۰، ۱۳۹۶، صص ۱۴۲-۱۲۵.

ج) رأی قضایی

۱. دادنامه شماره ۱۴۰۰۳۱۳۹۰۰۰۲۲۴۷۳۲۱/۳/۹/۱۴۰۰؛ مورخ ۱۴۰۰/۹/۳؛ شعبه ۳ بدوی دیوان عدالت اداری.
۲. دادنامه شماره ۹۱۰۹۹۷۰۹۰۰۳۰۲۵۱۲/۸/۲۱/۱۳۹۱؛ مورخ ۱۳۹۱/۸/۲۱؛ شعبه ۳ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری.
۳. دادنامه شماره ۹۵۰۹۹۷۰۹۵۵۵۰۰۸۱۷/۳/۵/۱۳۹۵؛ مورخ ۱۳۹۵/۳/۵؛ شعبه ۱۵ بدوی دیوان عدالت اداری.

2. Latin Source

1. Bruwer, C., "Smuggling and trafficking of illicit goods by sea", Global challenges in maritime security: an introduction. Springer: Berline, 2020, pp. 49-73.
2. Contractor, F.J., Dangol, R., Nuruzzaman, N., Raghunath, S., "How do country regulations and business environment impact foreign direct investment (FDI) inflows?", International Business Review, Apr 1, Vol.29, No.2, 2020, pp. 64-87.

3. Heled, Y., Rutschman, A.S., Vertinsky, L., “**Regulatory Reactivity**”, Food and Drug Law Journal, Vol.76, No.2, 2021, pp. 318-36.
4. Murray, J., “**Prejudice-based rights in criminal procedure**”, University of Pennsylvania Law Review, Vol.168, No.2, 2019, pp. 277-296.
5. Stainton, I. & Ewin, R., **Criminal investigation**, Critical Publishing: London, 2022.



Explanation of the role of the “Substance Determination Working Group” and the feasibility of applying the judicial supervision of the Administrative Court of Justice to its decisions

Arian Petoft¹

Hamed Kaviani²

Abstract

The Substance Determination Working Group, as a newly established institution in Iran’s administrative law system, reviews export cases and ensure that subsidized petroleum products of unauthorized origin are not used in export goods. The decisions of this working group, which plays a crucial role in determining the presence or absence of subsidized petroleum products in export shipments, are the source of investigation into the accusation of violation or the crime of smuggling of petroleum products and document the decision of the authorities investigating the relevant cases. Despite the great importance of this institution in the legal system of our country and the considerable sensitivity of its decisions in explaining the legality of export shipments of petroleum products and the effect it has on the economic cycle of the production and export industry of these products, so far scientific works to explain the nature of its decisions and duties in the reading of administrative law and the role of the Court of Administrative Justice in handling the objections of individuals from the decisions of this institution have not been written down. Therefore, the present article aims to analyze the legal nature and legal responsibilities of this working group, as well as the judicial review of the Administrative Court of Justice regarding the declared opinions of this institution. In general, in this article, we found that the nature determination working group has diagnostic authority and makes administrative decisions, and therefore, it is necessary to accept the complaints of the beneficiaries from its declared opinions in the branches of the Administrative Court of Justice as a judicial appeal mechanism.

Keywords: Substance Determination Working Group, Diagnostic competence, Administrative Court of Justice, Smuggling, Oil product.

1. Medical Ethics and Law Research Center and Biological Technologies Law Department, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran, (Corresponding Author), Arian_petoft@sbmu.ac.ir

2. Department of Public Law, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran, Kaviani.hamed@gmail.com